

حبس خانگی از منظر قرآن کریم، روایات و فقه اسلامی

محمد علی حاجی ده‌آبادی*
احمد فصیحی**

چکیده

منظور از حبس، سلب آزادی بزهکار از تصرف و آمدوشد آزادانه است که امروزه با وجود پذیرش آن در زرادخانه کیفری کشورها به سبب آثار و پیامدهای سوء آن بر استفاده از جایگزین‌های زندان تأکید می‌شود؛ از جمله این جایگزین‌ها، حبس خانگی است که در آن به مجرم اجازه داده می‌شود علاوه بر تحمل دوران محکومیتش در محیط خانه فرصت فعالیت‌های اقتصادی، تربیتی و اجتماعی را بیابد. این جایگزین افزون بر کم‌هزینه‌تر بودن و پیامدهای سوء کمتر برای خانواده، فرصت اصلاح و بازپروری بیشتری برای بزهکار فراهم می‌آورد و از همه مهم‌تر حق بر آزادی بیشتر و بهتر پاس داشته می‌شود و نمونه‌ای از سیاست جنایی مشارکتی است. مطالعه منابع اسلامی نشان می‌دهد در اسلام هر چند به‌طور محدود حبس تجویز شده، اما حبس خانگی پذیرفته شده است. البته در کم و کیف دلالت گزاره‌های اثبات‌گر حبس خانگی بحث‌های جدی وجود دارد. مقاله حاضر با روش تحلیلی - توصیفی به کنکاش این موضوع می‌پردازد تا حبس خانگی را از منظر قرآن کریم، روایات و فقه اسلامی بررسی نماید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که افزون بر امکان استفاده از گزاره‌های مثبت التعزیر بیدالحاکم، از گزاره‌های خاص موجود در قرآن کریم و روایات در مورد حبس خانگی در مشروعیت آن می‌توان بهره جست؛ هر چند برخی آن را اقدامی پیشگیرانه می‌دانند. به نظر می‌رسد این اقدام دارای ماهیتی دوگانه است. در حال باتوجه به محدودیت‌هایی که نسبت به حقوق مهمی همچون حق بر تربیت و حق بر حریم خصوصی ممکن است ایجاد کند، کار بست آن نیازمند وضع ضوابط ویژه‌ای است.

واژگان کلیدی: حبس خانگی، نظارت الکترونیکی، حریم خصوصی، جایگزین زندان.

* دانشیار دانشگاه قم و عضو انجمن فقه و حقوق اسلامی حوزه/ نویسنده مسئول (dr_hajidehabadi@yahoo.com).

** کارشناس ارشد حقوق جزا جامعه‌المصطفی العالمیه (sarwariahmad97@gmail.com).

مقدمه

از جمله مجازات‌هایی که در زرادخانه کیفری همه کشورها وجود دارد، مجازات حبس است. حبس در لغت از سویی به فعل انسان ناظر بوده و از سوی دیگر ناظر به محیط و مکانی است که این فعل در آن انجام می‌گیرد؛ چنان‌که در فرهنگ معین، حبس به معنای زندانی کردن و زندان آمده است (معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ذیل واژه حبس). فیروزآبادی نیز در قاموس، حبس را به معنای مانع شدن و اسم مکان یعنی محبس آورده است؛ همچنان‌که «سَجین» بر وزن «جنین» شخص زندانی را گویند (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۲۶).

راغب اصفهانی در المفردات حبس را به معنای مانع شدن از آمدن و آمدن می‌داند؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ: پس از نماز از آمدن و آمدن آن دو نفر [وصی و شاهد] مانع شوید تا سوگند یاد کنند (مانده: ۱۰۶)» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۶).

از مجموع مطالب لغت‌شناسان به دست می‌آید که معنای «حبس» و «سَجین» از نظر علمای اهل لغت، افزون بر مکان حبس یعنی زندان، عبارت است از سلب آزادی، محدود ساختن فرد از آمدن و آزاد و تصرفات آزادانه.

بسیاری از فقها از حبس و سَجین تعریف مستقلی ارائه نکرده‌اند، ولی آن عده که تعریف کرده‌اند، به همان معنای لغوی توجه داشته‌اند. استاد جعفر سبحانی در کتاب معالم الحکومة الإسلامية نوشته است: «حبس در شریعت، نگهداشتن انسان در یک مکان تنگ نمی‌باشد، بلکه منع شخص و جلوگیری از تصرف آزادانه وی است که باید از هرگونه شکنجه و آزار به دور باشد» (سبحانی، ۱۴۰۷، ص ۴۶۲).

فقها و دانشمندان اهل سنت همین معنا را از زندان استنباط کرده‌اند و گفته‌اند:

حبس عبارت است از منع شخص از تصرف خودخواهانه و آزادانه وی، خواه در خانه باشد یا در مسجدی یا اینکه شخص مورد نظر را زیر سرپرستی خود قرار دهد یا اینکه وکیل یا مأموری را بر او بگمارند که در همه جا مراقب او باشد (مقریزی، ۱۴۱۸، ص ۳۲۷/ حسنی ادریسی، [بی‌تا]، ص ۲۹۵-۲۹۷).

در ترمینولوژی حقوق نیز حبس این‌گونه تعریف شده است: «سلب آزادی در مدت معین یا نامحدود؛ به گونه‌ای که در آن حالت رخصت وجود نداشته باشد و اگر حالت انتظار وجود داشته

باشد، آن را توقیف گویند، نه حبس» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ص ۲۰۷).

تفاوت‌های عمده حبس و توقیف عبارت‌اند از:

- در توقیف، حالت انتظار ترخیص وجود دارد، ولی در حبس وجود ندارد.

- مدت حبس عرفاً طولانی‌تر از توقیف است.

- در توقیف، شخص توقیف‌شده تحت مراقبت قرار می‌گیرد، درحالی‌که محل توقیف مهم نیست، اما در

حبس، محل آن محفوظ‌تر و مضبوط‌تر از بازداشت است که زندان یکی از مصادیق آن است.

- توقیف ممکن است شامل محکوم و مظنون به ارتکاب جرم باشد، ولی حبس مختص به محکوم

و مجرم است.

امروزه با وجود پذیرش این مجازات در حد گسترده در زرادخانه کیفری بیشتر کشورها، به سبب معایب و پیامدها و کارکردهای سوء فراوانی که دارد، سیاست «حبس‌زدایی» در دستور کار سیاست‌گذاران جنایی قرار گرفته است و در قالب تدابیر گوناگونی همچون جایگزین‌های زندان از جمله کار عام‌المنفعه، آزادی مشروط و... این مهم را دنبال می‌کنند؛ از جمله این تدابیر حبس خانگی یا حبس در منزل است.

در حبس خانگی یا حبس در منزل (Home Detention / Home Arrest)، مجرم دوران مجازات خود را در منزل و اقامتگاه خویش می‌گذراند. به موجب این تدبیر، قاضی مجرم را ملزم می‌کند از خانه‌اش خارج نشود و در مواقع ضروری نیز به شرطی می‌تواند منزل را ترک کند که پیش‌تر از مأمور مراقب خود اجازه گرفته باشد (محولاتی، ۱۳۸۲، ص ۴۵). حبس خانگی در معنای واقعی، سلسله ضمانت اجراهای محدودکننده‌ای است که از تحمیل منع رفت‌وآمد شبانه تا حبس در منزل در ساعت‌های غیرکاری مجرم را دربرمی‌گیرد (آشوری، ۱۳۹۹، ص ۳۷۹).

حبس خانگی که با عناوین دیگری همچون «بازداشت در منزل» نیز معرفی شده است، نوعی جایگزین برای زندان بوده که از سوی برخی کشورها در اواخر سده بیستم به‌ویژه ایالات متحده به‌طور جدی دنبال می‌شود. در این نوع مجازات، مجرم به‌جای آنکه به زندان محکوم شود، با حبس در خانه‌اش، از آسیب‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و سیاسی به‌پیکره جامعه و خانواده جلوگیری می‌شود. منظور از ایجاد محدودیت، محدودیت‌های معقول و منطقی است که نظر دادگاه در راستای اصلاح و بازپروری مجرم در تدبیر حبس خانگی به‌کار می‌گیرد (کریمی، ۱۳۹۴، ص ۷۱). در این مجازات، مأموران و سیستم‌های نظارتی و مراقبتی حضور دارند و در هر ساعت از

شبانه‌روز مجرم را تحت کنترل قرار می‌دهند. مجرم برای هر کاری خارج از برنامه خود، مأموران را باید مطلع کند. به بزه‌کاران تحت این برنامه، اجازه داده می‌شود برای مقاصد ضروری از جمله کارکردن، معالجه یا بهره‌مندی از خدمات اجتماعی منزل را ترک کنند (علوی، ۱۳۸۸، ص ۳۵). در این روش به محکوم تفهیم می‌شود که در طول اجرای برنامه، افزون بر نظارت مستقیم و غیرمستقیم دادگاه، توسط مأموران یا مددکاران اجتماعی مورد نظارت واقع می‌شود. به عبارت دیگر افراد مشمول طرح، بدون هماهنگی با دادگاه یا مأموران مراقبتی (Supervisor Officer) یا مأموران نظارت الکترونیکی (Electronic Monitoring) حق خروج از منزل را ندارند. این نظارت به وسیله دستگاه‌های الکترونیک (Curfew) نیز می‌تواند انجام شود (شاه‌کرمی، ۱۳۹۲، ص ۵۲). حبس خانگی آثار مخرب زندان و انتقادهای وارد بر آن را به دنبال ندارد و با عدالت ترمیمی و اصول انسانی سازگارتر است، چنان‌که برخی معتقدند:

به نظر می‌رسد حبس خانگی به‌عنوان مصداقی از مجازات‌های اجتماعی از تورم جمعیت کیفری زندان‌ها و هزینه نگهداری زندانیان می‌کاهد و ضمن ایجاد محدودیت در آزادی محکومان کم‌خطر با اصول انسانی و بشردوستانه تطابق بیشتری دارد (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱).

مسئله مهمی که در اعمال و به‌کارگیری این روش وجود دارد اینکه باید دید مستند قرآنی و روایی آن چیست؟ از منظر فقهی آیا می‌توان آن را پذیرفت؟ در صورت پذیرش، قلمرو کاربست آن در چه جرایمی و تابع چه ضوابطی است؟ مقاله پیش رو کوششی در جهت یافتن پاسخ پرسش‌های یادشده است تا از این راه جایگاه مجازات حبس خانگی در قرآن کریم، روایات و فقه اسلامی روشن شود.

۱. مستندات حبس خانگی در قرآن و روایات

با تتبع در قرآن کریم و احادیث، به برخی آیات و روایات برمی‌خوریم که دلالت مستقیم یا غیرمستقیم به حبس در منزل دارد. در ادامه به بیان و بررسی دلالت این مستندات خواهیم پرداخت.

۱-۱. حبس خانگی از منظر قرآن کریم

خداوند متعال در مورد مجازات زن فاحشه می‌فرماید:

وَاللَّائِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا: و از زنان شما [امت اسلام] کسانی که مرتکب زنا می‌شوند، چهار نفر مرد از خودتان را بر آنان به گواهی بخواهید؛ پس اگر [به ارتکاب آن] شهادت دادند، آن زشت‌کاران را در خانه‌ها [ی خود] نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد یا خدا [برای نجات] آنان راهی قرار دهد (نساء: ۱۵).

مورد استدلال در آیه شریفه عبارت «فامسکوهن فی البیوت» است. بنا به تعریف اهل لغت، از معانی زندان، یکی از الفاظی که برای زندانی کردن استفاده شده، کلمه امساک می‌باشد (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹۶۳)؛ پس امساک در این آیه به معنای حبس کردن است.

مطابق این آیه حکم و کیفر عمل منافی عفت برای زنان، حبس دائمی در خانه است که البته باتوجه به ذیل آیه «أَوْ يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا» حکم حبس ابد را به صورت موقتی ذکر می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۰۸ / طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۷۰).

در تفسیر آیه مذکور و در مورد نسخ یا عدم نسخ آن، میان علما و اندیشمندان اسلامی اعم از فقها و مفسران، نوعی اختلاف دیده می‌شود. مفسران در بحث تفسیری درباره آن و فقها در ضمن مباحث موضوعی حد زنا - البته نه به صورت خیلی منسجم و مبسوط - از حبس خانگی سخن به میان آورده‌اند و این موضوع را در صدر اسلام حکمی قطعی و مسلم دانسته‌اند، اما اینکه بعداً این حکم (حبس زن زنا دهنده در خانه) توسط آیه جلد و سنت قطعی رجم نسخ شده، برخی اختلاف نظرها وجود دارد. البته اصل حکم در مورد موضوع حکم زن زنا دهنده بعداً تغییر یافته است، ولی اینکه آیه پیش گفته نسخ شده یا خیر، بسیاری از علما قائل به نسخ‌اند و عده‌ای معتقد به عدم نسخ بوده و حکم آیه را موقتی و محدود می‌دانند. در ادامه به بیان اقوال این دو گروه می‌پردازیم.

۱-۱-۱. نظر موافقان نسخ آیه

علی بن ابراهیم قمی بر این باور است که در زمان جاهلیت - پیش از اسلام - هنگامی که مردی زنا می‌کرد، مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفت و اگر زنی زنایش ثابت می‌شد، در خانه‌ای حبس می‌شد تا بمیرد؛ پس این حکم با آیه: «الرَّائِيَةُ وَالرَّائِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» نسخ شد (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۳۳).

محمد بن مسعود عیاشی با ارائه روایتی به نسخ قائل شده است:

از امام صادق علیه السلام نقل شده که در تفسیر آیه پیش گفته فرمود: آیه «وَاللَّائِي يَأْتِينَ...» نسخ شده است و مقصود از سبیل، حدود است. روایت شده که از ایشان در مورد آیه «وَاللَّائِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ» پرسیده شد، فرمود: این آیه نسخ شده است. گفتند: چگونه بود؟ فرمود: زن اگر زنا می‌داد و چهار شاهد بر آن اقامه می‌شد، او را در خانه‌ای قرار می‌دادند [حبس می‌کردند] و کسی با او حرف نمی‌زد و هم‌نشینی نمی‌کرد، به او غذا و آب می‌دادند تا وقتی که بمیرد یا خداوند برای آنها راهی قرار دهد. فرمود: راهی که خدا قرار داد تازیانه‌زدن، سنگسار کردن و نگهداشتن در خانه بود (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۲۸).

طبرسی از دیگر مفسران معتقد است: «فَأَمْسِكُوهُنَّ...» یعنی آنان را در خانه حبس کنید تا مرگ آنان فرارسد و در آن خانه بمیرند. در آغاز اسلام چنین بود که اگر زنی زنا می‌کرد و چهار مرد بر آن شهادت می‌دادند، در خانه حبس می‌شد تا بمیرد. سپس این حکم، با حکم سنگسار در شوهردار و تازیانه در بکر، نسخ شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۴).

فاضل مقداد معتقد است:

منظور از «فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ» نگهداشتن و حفظ کردن زنان از انجام دوباره فحشاست و امساک، کنایه است، ولی اکثر محققین معتقدند امساک در خانه، حدّ عمل زنا در اوایل اسلام بود که بعدها این حکم به وسیله آیه «جلد» نسخ شد. گفته شده است که منظور از سبیل «أَوْ يُجْعَلُ اللَّهُ لهنَّ سَبِيلًا» همان حکم ناسخ بوده و به همین دلیل هنگامی که آیه «جلد» نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند برای آنها [زنان] راهی قرار داد. اینکه منظور از سبیل، توبه باشد، دلیلی ندارد، گرچه محتمل است و در این صورت جعل، کنایه از توفیق است» (حلی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۳۳۹).

علامه طباطبایی می‌نویسد:

حکم نامبرده حبس دائمی است، به‌قرینه اینکه نهایت مدت حبس را مرگ زن قرار داده و فرموده: «حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ: تا مرگ ایشان را دریاورد». چیزی که هست، تعبیر حبس ابد آن هم در زندان را نیاورد، بلکه فرمود آنها را در خانه‌ها نگه دارید تا مرگشان فرارسد. این نیز دلیل روشنی است بر اینکه خواسته است کار را بر مسلمانان آسان بگیرد و از سخت‌گیری اغماض کند و اینکه فرمود: «تا مرگشان برسد» یا «خدا راه نجاتی برایشان مقرر بدارد» می‌خواهد بفهماند امید است که این حکم نسخ شود و بعداً چنین شد؛ حکم جلد آمد و آن را نسخ کرد؛ چون بدیهی است حکمی که در اواخر زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از وی میان مسلمانان درباره زنان زنا دهنده جاری شده است، جلد

بوده، نه امساک در خانه؛ پس آیه برفرضی که حکم حدّ را بفهماند، با آیه «جلد» منسوخ شده است و راهی که در آن آمده، بی شک همان جلد است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۷۱).

فخر رازی در این باره می گوید:

خداوند متعال حبس در خانه را به زن اختصاص داد و ایذا را به مرد. علت آن این است که زن وقتی از خانه بیرون می آید و جلوه‌گری می کند، در دام زنا می افتد، ولی وقتی در خانه حبس شد، ریشه این گناه قطع می شود، اما مرد را نمی شود در خانه زندانی کرد؛ زیرا برای کار و کسب معیشت، مجبور است از خانه بیرون رود؛ فلذا برای زن حبس و برای مرد ایذا و فشار روحی قرار داده شد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۵۳۰).

ایشان با پیروی از جمهور مفسران اهل سنت به جز ابومسلم، به نسخ این آیه قائل است (همان، ص ۵۲۹).

صابونی و راوندی نیز به نسخ قائل اند و می گویند:

در صدر اسلام کیفر زن زنا دهنده حبس در خانه و کیفر مرد، توبیخ و سرزنش بود. اگر زن ثیب (غیربکر) زنا داد، زندانی شود تا بمیرد و بکر و مرد بدکار، ایذا و سرزنش شوند تا توبه کنند. سپس این قانون، توسط آیه: «الزَّانِيَةُ...» و حکم سنگسار نسخ شد (صابونی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۲۰/راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۶۷).

۱-۱-۲. اقوال مخالفان نسخ آیه

عده‌ای از فقها و مفسران، نسخ آیه پیش گفته را نپذیرفته‌اند و موضوع را به گونه دیگری بیان می کنند. آیت الله خوئی ضمن تصریح به عدم نسخ این آیه بیان داشته است:

مقصود از فاحشه هر عمل ناپسندی است که زشتی و قبح آن زیاد باشد، این عمل ممکن است گاهی میان دو زن (مساحقه) یا دو مرد (لواط) و یا بین مرد و زن (زنا) اتفاق بیافتد. لفظ فاحشه هیچ ظهوری در خصوص فعل زنا ندارد، نه از نظر وضع و نه از نظر انصراف (خوئی، [بی تا]، ص ۳۰۹).

ایشان التزام به نسخ آیه را متوقف بر دو مسئله می داند؛ نخست اینکه حبس در خانه، حدّ مرتکب فاحشه باشد و دیگر اینکه منظور از «جعل سییل»، ثبوت رجم و جلد باشد. ایشان بر این باور است که هیچ یک از این دو امر امکان ندارد و بر این مدعا چنین استدلال می کند:

ظاهر آیه، نگهداشتن زن در خانه بدین منظور است که او را از تکرار ارتکاب فاحشه

بازدارد؛ یعنی این کار نوعی دفع منکر است که در امور مهم همچون آبرو و جان مردم، بلکه در همه منکرات - بنا بر برخی اقوال - واجب شده است و اشکالی در آن نیست. البته ظاهر «جعل سبیل» و پیداشدن راه برای زنی که مرتکب فاحشه شده این است که راهی برای او گذاشته شود تا از عذاب خلاصی یابد، نه اینکه تازیانه بخورد و سنگسار شود! آیا هیچ زن عاقلی که در خانه نگه‌داری می‌شود و در رفاه زندگی می‌کند، راضی می‌شود سنگسار شود یا تازیانه بخورد؟! این چگونه راه [خلاصی] برای اوست؛ اگر این راه به نفعش باشد، پس آن راهی که به ضرر اوست، کدام است؟ بنابراین حکم حبس در خانه همیشگی است [نسخ نشده و نمی‌شود]، اما تازیانه و سنگسار حکم دیگری است که برای تأدیب مرتکبان فاحشه تشریح شده است و ارتباطی به حکم اول ندارد و معنا ندارد نسخ آن باشد. به تعبیر دیگر، حکم اول برای پیش‌گیری از تکرار ارتکاب فاحشه تشریح شده است و حکم دوم، برای کیفر ارتکاب فاحشه و برای عبرت دیگر زنان از انجام چنین گناهی. پس اصلاً منافاتی میان دو حکم نیست تا اولی با دومی نسخ شده باشد. آری، اگر زن به سنگسار شدن یا تازیانه خوردن مُرد، لزوم نگه‌داری در خانه از بین می‌رود؛ چون نتیجه حاصل شده است و در غیر این مورد، حکم همچنان باقی است تا زمانی که خداوند برای آن‌ها گشایشی حاصل نکرده باشد؛ نتیجه اینکه با دقت در معنای آیه، چیزی از نسخ به نظر نمی‌رسد و تفاوتی ندارد آیه «جَلْد» پس از آن آمده باشد یا پیش از آن (خویی، [بی‌تا]، ص ۳۰۹).

برخی اندیشمندان معاصر نیز نسخ آیه مورد بحث را نپذیرفته‌اند و نظر کسانی که گفته‌اند: احتمال دارد منظور از جمله «جعل سبیل» مجازات سنگسار جهت آزادی چنین زنانی باشد را کامل و درست نمی‌دانند؛ زیرا این احتمال با تعبیر «هُنَّ سَبِيلًا: راهی به سود آنان» سازگار نیست؛ چه اینکه اعدام نیز راه نجات نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۰۸). ایشان با بررسی همه احتمالات در ادامه می‌نویسد:

آیه پیش‌گفته هرگز نسخ نشده؛ زیرا نسخ در مورد احکامی است که از آغاز به صورت مطلق گفته شود، نه به صورت موقت و محدود، درحالی‌که این آیه، حکم «حبس ابد» را به‌عنوان حکمی محدود و موقت ذکر کرده است و اگر در بعضی روایات مشاهده می‌کنیم که تصریح شده، آیه پیش‌گفته به‌وسیله آیاتی که مجازات عمل منافی عفت را جلد و رجم بیان کرده، نسخ شده است،

منظور نسخ اصطلاحی نیست؛ زیرا نسخ در زبان روایات به هرگونه تقييد و تخصيص حکم گفته می‌شود. ضمناً باید توجه داشت دستور حبس زنان در خانه‌ها حکمی است که [به دلایلی] به نفع آنهاست؛ زیرا از حبس کردن در زندان‌های عمومی به مراتب بهتر است و از آسیب‌های جدی آن در امان می‌ماند (همان).

فاضل کاظمی معتقد است بیشتر مفسران بر این نظرند که آیه مذکور نسخ شده است و اوایل اسلام حکم چنین بود که وقتی زنی زنا می‌کرد و بر آن گواهان شهادت می‌دادند، در خانه‌ها حبس می‌شد تا بمیرد (کاظمی، [بی تا]، ج ۴، ص ۱۸۹). ایشان نسخ آیه را صحیح ندانسته، حبس در این آیه را همیشگی نه بلکه محدود به غایتی می‌داند و نهایت و غایت‌دار بودن حکم بیانگر نسخ آن نیست و از شرایط نسخ این است که اگر حکم ناسخی نیاید، آن حکم مستمر و دوام‌دار خواهد بود (همان، ص ۱۹۰).

کتاب الموسوعة الفقهية الكويتية در مورد نسخ آیه مذکور این گونه متذکر شده است:

اقوال علما در نسخ آیه مختلف است؛ از جمله آن نظریات این است که حبس تنها در مورد زنا توسط جلد و رجم نسخ شده است، اما در غیر این مورد بر مشروعیت خود باقی است. در ادامه استدلال بر این قول را بیان کرده و آیه را غیر منسوخ دانسته است (وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، ۱۴۲۷، ج ۱۶، ص ۲۸۵).

باتوجه به مطالب پیشین روشن شد که اختلاف دیدگاه‌ها در مورد آیه محل بحث در این است که آیا حکم مذکور در آیه نسخ شده یا خیر؟ عده‌ای بر این باورند مجازات حبس خانگی، حکمی نسخ شده است؛ یعنی در مدت زمانی این مجازات تعیین شده برای جرم زنا یا جرایمی بوده است که فحشا خوانده می‌شد (زنا و مساحقه) و برای زنان اجرا می‌شده است. عده دیگری به عدم نسخ قائل‌اند. این گروه نیز خود دو دسته‌اند؛ کسانی که حبس خانگی را نوعی کیفر می‌دانند و عده‌ای که حبس خانگی را اقدامی پیشگیرانه می‌دانند و امروزه از آن باعنوان تدابیر تأمینی یاد می‌شود. در هر حال حبس خانگی نوعی پاسخ پسینی به برخی جرایم جنسی در قرآن کریم است و باتوجه به اصالة عدم النسخ به نظر می‌رسد دیدگاه قائلان به عدم نسخ قوی‌تر باشد، خصوصاً که اصل در کلام الهی استمرار و حجیت آن است تا زمانی که صریحاً نفی شود.

۱-۲. حبس خانگی در روایات

در این باره روایات فراوانی وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

۱-۲-۱. روایت صحیح عبدالله ابن سنان از امام صادق

عبدالله ابن سنان از امام صادق نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

شخصی خدمت رسول گرامی اسلام آمد و گفت: مادرم دست بیگانه را رد نمی‌کند (یعنی به او زنا می‌دهد). پیامبر فرمود: او را حبس کن! گفت: [حبس] کردم. فرمود: نگذار کسی پیش او رود. گفت: چنین کردم. فرمود: او را دربند کن؛ زیرا هیچ خوبی در حق او بهتر از این نیست که او را از گناهان الهی بازدارد.^۱

سند این روایت که شیخ صدوق در مشیخه ذکر کرده است، بدین شرح می‌باشد:

محمد بن موسی بن متوکل از عبدالله بن جعفر حمیری و سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن محبوب و این طریق صحیح است (قمی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۵۳/خویی، [بی تا]، ج ۶، ص ۹۸).

علامه مجلسی نیز در کتاب روضة المتقین آن را صحیح دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۲۱۵).

به لحاظ دلالت، این حدیث مهم‌ترین و تنها دلیل کامل و قابل استناد در موضوع بحث است؛ زیرا هم از نظر حکم (حبس در منزل) و هم از نظر موضوع که شخص مجرم و خلافکار است، بر موضوع مورد بحث یعنی حبس خانگی تطابق و دلالت دارد. فقها در موارد گوناگون - هم در باب منع و پیشگیری از محرمات که بحث امر به معروف و نهی از منکر است و هم در باب تعزیرات و تأدیب فاعل محرمات - به این روایت استناد جسته‌اند و به مضمون آن فتوا داده‌اند. شیخ حرّ عاملی در عنوان یکی از باب‌هایش به مضمون آن این‌گونه فتوا داده است: «بر امام منع از زنا و سایر

۱. وَ رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ: إِنَّ أُمَّي لَتَدْفَعُ يَدَ لَأَمِي. قَالَ: فَاحْبِسْهَا. قَالَ: قَدْ فَعَلْتُ. قَالَ: فَمَنْعُ مَنْ يَدْخُلُ عَلَيْهَا. قَالَ: قَدْ فَعَلْتُ. قَالَ: فَقِيدْهَا؛ فَإِنَّكَ لَا تَبْرُكُهَا بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَنْ تَمْنَعَهَا مِنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (قمی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۷۲/حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۱۵۰/محسنی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۱۰).

محرمات جایز است، ولو از طریق حبس کردن و دربند کردن باشد» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۱۵۰). برخی نیز قائل اند تعلیل در این حدیث به قرینه ذیل آن عمومیت داشته، وجود مادر و فعل زنا در این روایت خصوصیت ندارد؛ بنابراین می شود حکم موجود در این حدیث را از مادر به پدر، اولاد، برادر، خواهر، بلکه مطلق نزدیکان و حتی اجانب و دیگران و نیز موضوع فعل جرمی را از زنا به دیگر محرمات همچون لواط، مساحقه، دزدی، شرب خمر و مانند آنها تعدی و سرایت داد؛ چنان که آخر روایت نیز به این مطلب دلالت دارد، اما جواز این نوع مجازات نیازمند اجازه حاکم شرعی است (محسنی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۸۹)؛ از این رو می توان گفت در همه مواردی که بازداشتن یک فرد از ارتکاب گناه منحصر به حبس و تعقیب او - ولو در خانه - باشد، این کار جایز است (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۴۷).

براین اساس طبق روایت مذکور، حاکم شرع یا قاضی مسلمان مجاز است در برخی جرایم و در صورت تشخیص مصلحت، فرد بزهکار را به حبس خانگی محکوم کند که این مجازات هم سزای عمل ارتكابی وی قرار گیرد و هم برای اصلاح خود فرد مفید باشد. البته ممکن است این روایت را نوعی تدبیر پیشگیرانه بدانیم که در اسلام به ولی و سرپرست افراد قدرت حصر خانگی را می دهد، نه حبس او که اقدامی کیفری است. در این صورت این روایت از محل بحث خارج می شود، ولی باتوجه به نگرش آن دسته از فقها که آیه مذکور در مقام حبس خانگی است، دلالت آن ایرادی ندارد.

۱-۲-۲. روایت هر ماس بن حبیب از دستور پیامبر ﷺ

ابوداود و ابن ماجه از هر ماس بن حبیب نقل کرده اند که او گوید:

پدرم گفت: بدهکارم را پیش پیغمبر ﷺ بردم. آن حضرت فرمود: ملازم او باش و از آزادگذاشتن بازش دار. آنگاه - بنا به نقل مقریزی از روایت ابن ماجه، آخر روز و بنا به نقل برخی چند روز بعد - پیامبر ﷺ از من پرسید: ای برادر بنی تمیم! بالآخره با اسیرت چه می کنی؟^۱

۱. حَدَّثَنَا مُعَاذُ بْنُ أَسَدٍ حَدَّثَنَا النَّضْرُ بْنُ شَمِيلٍ أَخْبَرَنَا هِرْمَسُ بْنُ حَبِيبٍ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَادِيَةِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ بِغَرِيمٍ لِي فَقَالَ لِي: «الزُّمَّةُ». ثُمَّ قَالَ لِي: «يَا أَخَا بَنِي تَمِيمٍ مَا تَرِيدُ أَنْ تَفْعَلَ بِأَسِيرِكَ؟» (بيهقي، ۱۳۴۴، ج ۶، ص ۵۲ / ابوداود، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۴۷۴ / به نقل از: مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۲۷).

در این روایت از محبوس در نزد طلبکار، به اسیر تعبیر شده است؛ چراکه در صدر اسلام به شخص محبوس اسیر می‌گفتند و منظور از «الزمه» به قرینه روایات دیگر، نگهداشتن نزد خود می‌باشد. روش استناد به این روایت، بدین جهت است که پیامبر ﷺ به ملازمت فرد بدهکار نزد طلبکار حکم صادر کرده است. اکنون گرچه عده‌ای نقل این روایت را ذیل عنوان باب مشروعیت حبس در مسئله دین و ملازمه، یا حبس بدهکار هنگام درخواست طلبکار و... آورده‌اند (ابن ماجه، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۴۹۷/جزری، ۱۳۹۲، ج ۱۰، ص ۱۹۹) که منظورشان از استناد به این حدیث اثبات مشروعیت اصل حبس در چنین مواردی است، ولی آنچه ما در صدد اثبات آن از این حدیث هستیم، علاوه بر جواز اصل حبس، نوع و چگونگی چنین حبسی است؛ زیرا در این روایات دستور به نگهداشتن و الزام همراه با طلبکار داده شده است، نه نگهداری و حبس در زندان‌های میله‌ای (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۲۷). ملازمت با وی یعنی هر جا خودت زندگی می‌کنی و بود و باش داری، همان‌جا نگهش دار که معمولاً انسان در خانه و منزل خود زندگی می‌کند، نه در زندان.

البته روایات دیگری نیز می‌تواند مؤید روایات مذکور باشد و در آنها عنوان «حبس یا امساک فی البیوت» یا حبس در مسجد و ستون مسجد آمده است و به خاطر نقص در سند یا دلالت‌شان بر موضوع بحث از ذکر آنها صرف نظر شد.^۱

حتی اگر از روایات خاص نتوان بر مشروعیت حبس در منزل بهره جست، با توجه به مفاسد فراوان زندان می‌توان از باب قاعده دفع افسد به فاسد - در صورتی که حبس در منزل را نیز واجد مفاسد کمتری نسبت به زندان بدانیم - بر مشروعیت آن استدلال کنیم. همچنین از رویکرد فقهای اسلامی درباره انگیزه مجازات و مذاق شارع که به عنوان مذاق فقهی جواز استفاده از آن را به عنوان مجازاتی تعزیری با ماهیت اصلاحی، تربیتی و تأمینی اثبات کنیم. اگرچه تعزیر طبق نظر بیشتر فقها منحصر در ضرب نیست و این‌گونه اقدامات را می‌توان به عنوان تعزیر به حساب آورد، ولی نگاهی به کلام فقها در این حوزه می‌تواند مفید باشد.

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۴، ص ۲۵۴، ج ۱۰، ص ۶۰۴ و ج ۱۱، ص ۲۲۸/حزّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۳۰۰/طوسی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۷/صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۳۰۷/ققی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۴۹۸/محسنی، ۱۴۳۴، ج ۸، ص ۴۴.

۲. حبس خانگی در اندیشه فقهای اسلام

فقهای مسلمان اعم از فقهای امامیه و اهل سنت در ارتباط با حبس در منزل نظراتی اظهار کرده‌اند که مروری بر اهم آنها مفید می‌نماید.

۲-۱. حبس خانگی در کلام فقهای امامیه

فقهای امامیه در مقام بحث از مباحث فقه جزایی اسلام مطالبی را بیان کرده‌اند که در بحث حاضر می‌توان مورد استناد قرار داد. یکی از فقها می‌نویسد:

در صورت مطالبه محکوم می‌توان او را از مکانی به مکان دیگر یا حتی در خانه خودش حبس کرد، منوط به آنکه تکلیف اضافی برای حکومت ایجاد ننماید (حسینی شیرازی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۹).

در مورد سایر حقوق زندانی نیز فرموده است:

شخص محبوس حق دارد از اخبار و اطلاعات روز به وسیله روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون باخبر شود و نیز شعائر و وظایف دینی خود را به راحتی انجام دهد و برای شرکت در نماز جمعه، جماعت و مراسم حج اجازه داده شود و در ایام عید و مراسم‌های مهم حضور پیدا کند و در تشییع جنازه و مراسم عروسی خویشاوندان خود شرکت نماید (همان، ص ۱۸).

آیت‌الله هاشمی شاهرودی که مدتی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران بود، دیدگاه متفاوت‌تری ارائه کرده و در اظهارنظرهایش در موارد گوناگون همواره منتقد گزینه زندان بود. وی تأکید داشت تا استفاده از زندان محدود شود و به جای آن از جایگزین‌های مناسب که مطابق شأن و کرامت انسانی مجرم باشد، به کار گرفته شود. کشورهای دیگر نیز همواره می‌کوشند تدابیر مناسبی را به جای زندان اتخاذ کنند که از جمله‌ای این روش‌ها حبس در منزل است. وی «به کارگیری زندان در سطح وسیع را کپی برداری از غرب دانسته و به کاربردن و دادن حکم زندان را در بسیاری از موارد که امکان جایگزین مناسب برای آن وجود دارد، با فلسفه مجازات‌ها و کیفرها در اسلام ناسازگار می‌داند» (توجهی و ابراهیم‌وند، [بی‌تا]، ص ۵۳۰). به باور ایشان:

در فقه شکل‌های گوناگونی را می‌توان برای حبس مورد توجه قرار داد؛ چه شکل‌هایی که در قدیم هم معمول بوده؛ مانند حبس در منزل، حبس در جای معین و.. و چه شکل‌های جدیدتری که امروز ایجاد شده است. در مواردی که هدف از زندان، کنترل کردن افراد خاص و جلوگیری از فرار آنان است - مثل بازداشت موقت - امروزه با پیشرفت فناوری برای کنترل آنان، راه‌های بسیار

گسترده‌تری وجود دارد، بدون اینکه نیازی به زندان کلاسیک و قفل و بند آن وجود داشته باشد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵، ص ۲۵-۵۳).

حضرات آقایان نجم‌الدین طبسی، حسینعلی منتظری و احمد وائلی از دیگر پژوهشگرانی‌اند که ضمن بحث گسترده از زندان در اسلام، از حبس خانگی در قوانین کیفری اسلامی سخن به میان آورده‌اند و آن را یکی از شیوه‌های مناسب برای رسیدن به اهداف مجازات در اسلام معرفی کرده‌اند (ر.ک: طبسی، ۱۳۸۲، صص ۲۵۵، ۲۶۱ و ۶۱۷ / منتظری، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۶۳ / وائلی، ۱۳۶۴، صص ۲۰۹-۲۱۰ و ۱۵۴).

۲-۲. نظر فقهای اهل سنت

در کلام فقهای اهل سنت نیز مطالبی در مشروعیت حبس خانگی دیده می‌شود. در کتاب **خُطَطِ مَقْرِیْزِی** بیان شده است:

حبس از نظر شرع، زندانی کردن در یک مکان تنگ نیست، بلکه عبارت از این است که شخص بازداشت و از تصرف‌های آزادانه ممنوع گردد. این بازداشت چه در خانه باشد، چه در مسجدی و چه فرد محکوم تحت ملازمت و سرپرستی شخص مدعی یا وکیل او که در همه‌جا همراه با او بوده و از او جدا نشود، اما این نوع زندان که اکنون رایج است، از نظر شرعی جایز نیست؛ چراکه گروه انبوهی را به نام زندانی در یک جای تنگ گرد می‌آورند و در هنگام نماز و عبادات و غذا به آنها سخت گرفته می‌شود و برخی حتی یک‌سال و بیشتر در زندان می‌مانند، درحالی‌که اصل حبس کردن آن موجب ضمان است (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۲۷-۳۲۸).

احمد فتیحی بهنسی در ضمن بیان انواع حبس در اسلام، از قول ابن‌قیم جوزیه نقل می‌کند: به‌راستی حبس شرعی، زندانی کردن در یک مکان تنگ نیست، بلکه بازداشت شخص و منع او از تصرفات خودخواهانه است؛ فرقی ندارد که این حبس در خانه باشد یا مسجد یا اینکه مدعی یا وکیلش را سرپرست یا ملازم او قرار دهد (بهنسی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۰۵).

در کتاب **الموسوعة الفقهية الكويتية** در مورد حبس آورده است:

حبس، بازداشتن شخص و منع وی از تصرفات آزادانه و خروج در کارها و ضروریات دینی و اجتماعی است. از لازمه حبس قراردادن فرد در ساختمان خاصی که برای نگهداری آماده شده باشد نیست، بلکه بستن به درختی، نگهداشتن در خانه یا مسجد نیز حبس است و اینکه حاکمان مسلمان مکان جداگانه برای حبس اختصاص داده‌اند، آن را از مصالح مرسله دانسته‌اند (وزارة

الأوقاف والشئون الإسلامية، [بی تا]، ج ۱۶، ص ۲۸۳).

در این کتاب در مورد مکان حبس افراد غیر بالغ، به گونه صریح اشاره کرده است: اکثر نصوص دلالت به این دارد که حبس اطفال و نوجوانان باید در خانه پدر یا ولی او باشد. البته حبس آنها در زندان در صورتی که خوف مفسده نباشد نیز جایز است و اگر بیم مفسده وجود داشته باشد سبب می شود که در نزد پدرش حبس شود، نه در زندان (همان، ص ۳۱۸). همچنین کتاب مذکور، عنوانی را تحت جواز حبس با اقامت الزامی در خانه آورده است؛ مثلاً اگر کسی فرد دیگری را بناحق بزند، تعزیر می شود و جایز است وی را حبس کند، ولو در خانه خودش باشد تا از خروج وی ممانعت گردد^۱ (همان، ص ۳۲۰).

۳. جایگاه حبس خانگی در حقوق کیفری اسلام

باتوجه به مباحث پیش گفته می توان از جایگاه حبس خانگی در نظام کیفری اسلام سخن گفت. اکنون این پرسش اصلی مطرح می شود که آیا بر اساس گزاره های موجود در منابع اسلامی، حبس خانگی مشروعیت دارد؟ در صورت مشروعیت آیا حبس خانگی از جمله تدابیری است که امروزه ذیل عنوان تدابیر تأمینی و تربیتی مطرح می شود یا از جمله مجازات هاست؟ در فرض اخیر، از جمله کدام مجازات ها و برای چه جرایمی است؟ آیا کاربرد آن محدود به جرایم خاصی است که در متون اسلامی بدان تصریح و تجویز شده یا در مورد همه جرایمی است که در فقه جزء جرایم تعزیری شمرده می شود؟ بی شک اگر حبس در منزل را تدبیری از نوع اقدامات تأمینی بدانیم، اختصاص به جرم خاصی ندارد و بر حسب تشخیص حاکم می توان در همه جرایم اعم از جرایم جنسی، مالی و... استفاده کرد؛ البته کم و کیف استفاده از این اقدام تأمینی نیازمند واکاوی فقهی است. به نظر می رسد نقطه تمرکز مباحث فقهی در واقع ناظر به کاربرد این اقدام به عنوان پاسخی کیفری در برابر کسانی است که مرتکب رفتار مجرمانه شده اند، ولی این پاسخ کیفری ذیل چه عنوانی است؛ حد یا تعزیر؟ در فرض اخیر، تعزیر منصوب یا غیر منصوب؟ بی تردید اگر نسخ را

۱. این مطلب را از کتاب دژالمختار، ج ۴، ص ۶۶، فتح الباری، ج ۱۰، ص ۲۰۵ و شرح النووی المسلم، ج ۱، ص ۱۷۳ و... نیز نقل کرده است.

بپذیریم و حبس در منزل را کیفری معین برای جرم زنا یا زنا و مساحقه بدانیم، قطعاً یک کیفر حدی منسوخ است؛ زیرا کم و کیف آن در شریعت بیان شده و کسی حق تخلف از آن را نداشته است و معنای مجازات حدی نیز جز این نیست. همه سخن در این است که هیچ فقیهی به حدی بودن این کیفر اشاره نکرده است و اگرچه در مورد جرایم جنسی برخی به نسخ آن قائل شده‌اند، از ظاهر کلام آن دسته که به نسخ قائل نیستند، برداشت می‌شود که آن را اقدامی در جهت دفع منکر می‌دانند؛ یعنی آن را از قبیل اقدامات تأمینی و تربیتی دانسته و معتقدند ظاهر آیه ۱۵ سوره نساء این را می‌رساند که نگهداری زن در خانه به خاطر تعجیز و منع از ارتکاب مجدد جرم و گناه بوده و این از قبیل دفع منکر است که در همه امورات مهم همچون آبرو و جان انسان و بلکه در مطلق منکرات - بنا بر قولی - وجود دارد (خویی، [بی‌تا]، ص ۳۰۹).

آن‌گونه که دیده شد، حبس خانگی در روایات در غیر از جرایم جنسی نیز کاربرد دارد. در این روایات نیز جای این پرسش هست که این تدبیر از چه بابی است؟

در این باره که آیا حبس در منزل را می‌توان نوعی تعزیر به حساب آورد، باید گفت هرچند برخی تعزیر را منحصر در ضرب می‌دانند، ولی بنا به نظر بیشتر فقها که تعزیر منحصر در ضرب نیست، هیچ منعی در پذیرش حبس در منزل به‌عنوان تعزیر وجود ندارد.

نهاد تعزیر معنای وسیعی دارد و تعیین کم و کیف آن به حاکم اسلامی واگذار شده است تا شرایط، اوضاع و احوال گوناگون جرایم و تخلفات را در نظر بگیرد و علل و عوامل وقوع آنها را بررسی کرده، به تبع آن اقدامات کیفری مناسب که هم شخصیت مجرم و چگونگی وقوع جرم در آن لحاظ شده باشد و هم جنبه اصلاحی، تربیتی و بازدارندگی داشته باشد، تعیین کند (امینی، ۱۳۹۳، ص ۷۳). نکته مهمی که پذیرش حبس خانگی را در نظام کیفری اسلام موجه‌تر می‌سازد این‌که هدف اساسی در نظام کیفری اسلام، اصلاح و تربیت مجرمان با تأکید بر روش‌ها و ابزارهای غیرکیفری، کیفرهای جامعه‌محور، عادلانه و مطابق با شخصیت و کرامت انسانی بزهکاران است که نهاد حبس خانگی در جمع چنین روش‌هایی به‌شمار می‌رود. همچنین از آنجاکه مجازات حبس، مجازاتی شدید محسوب می‌شود، در جهت رعایت اصل تناسب میان جرم و مجازات، مجازات حبس فقط در برابر «جرایم شدید» باید به‌عنوان کیفر قرار داده شود (ابراهیم‌وند، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵). بر اساس کارکرد متصور از مجازات سالب آزادی در اسلام که دور نگهداشتن مجرم

خطرناک از جامعه است، لازم است ضابطه مشخصی در اجرای چنین مجازات نسبتاً شدید در نظر گرفته شود که این ضابطه «حمایت از عموم جامعه» را دربر داشته باشد و کیفر زندان فقط در برابر کسانی مورد استفاده قرار گیرد که دلایل توجیه‌کننده‌ای برای حضور آنان در جامعه را نداشته باشد. در غیر این صورت استفاده وسیع از زندان، آن هم با روش‌های نادرست و نامناسب و گاه همراه با شکنجه و عذاب برای بسیاری از جرایم ممکن است ناعادلانه باشد و از اهداف اصلی مجازات دور شود که چنین امری از نظر شرعی قابل توجیه نیست.

زندان حتی در زمان پیامبر اسلام ﷺ وجود داشت، ولی مفهوم زندان، مرادف و ملازم با این نبود که مکان ویژه‌ای با خصوصیات معین باشد، بلکه حبس کردن افراد گاهی در خانه، گاهی در مسجد و گاهی نیز در دالان و پیش‌ورود یک خانه یا در مکان‌های دیگر صورت می‌گرفت و فرد را در خانه‌های معمولی که افراد دیگر نیز در آن سکونت داشتند و از نور و وسعت کافی برخوردار بودند، حبس می‌کردند و مقصود از آن فقط محدود کردن آزادی‌های فرد بزه‌کار و جلوگیری از آمدوشد آزادانه بود (وانلی، ۱۳۶۴، ص ۱۲۴-۱۲۷). حتی پس از پیامبر ﷺ و تشکیل حکومت اسلامی به‌وسیله خلفای راشدین که جامعه مسلمانان افزایش و وضعیت اجتماعی آنان رفته‌رفته تغییر یافته بود و طبعاً نیاز به وجود محبس احساس می‌شد، باز هم در تاریخ ثبت نشده است که حکومت، زندان‌های عریض و طولی داشته باشد (همان، ص ۱۴). البته طبیعی است حجم جمعیت در این واقعیت مؤثر باشد. در هر حال اهتمام به رعایت حقوق زندانیان و نیز استفاده کمتر از حبس، واقعیتی انکارناپذیر در تحولات کیفری اسلام است. در مورد امام علیؑ نیز روایت‌های تاریخی از این امر حکایت دارد که اگرچه حضرت به ساخت زندان اقدام کرد (همان، ص ۱۳۲)، ولی اولاً، استفاده بسیار محدودی از زندان می‌کرد؛ ثانیاً، حقوق مادی و معنوی آنان را به‌طور کامل رعایت می‌کرد و مورد توجه جدی قرار می‌داد، تا آنجا که در خوراک، پوشاک، تهذیب نفس، آموزش قرآن کریم و مطالعه و نوشتن با آنها همکاری می‌کرد و در روزهای عید و جمعه برای شرکت در نماز آنها را بیرون می‌آورد.^۱

۱. در کتاب جعفریات از امام صادقؑ به نقل از پدر بزرگوارشان روایت کرده است: «شیوه علیؑ بر این بود که افراد زندانی شده در رابطه با دین یا تهمت را برای نماز جمعه بیرون می‌آورد و آنان شاهد نماز جمعه شده و در آن شرکت

دلیل دیگری که می‌توان بر پذیرش حبس خانگی به‌عنوان کیفر تعزیری در نظام کیفری اسلام بیان کرد اینکه باتوجه به منابع فقه شیعه و اهل سنت و نظر بیشتر فقیهان اسلامی (وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، [بی‌تا]، ص ۲۸۷ / موسوی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۲) در کنار دیگر مصادیق و مجازات‌های تعزیری، حبس نیز یکی از انواع و مصادیق آن شمرده شده است و ازسویی روشن است که قسیم و نوع هر چیزی می‌تواند جایگزین و بدیل قسم و نوع دیگر قرار گیرد - به‌خصوص باتوجه به اختیارات وسیعی که حاکم شرع در تعزیرات دارد - البته ممکن است کسی دیدگاه موسع در تعزیر را نپذیرد و به انحصار تعزیر در ضرب قائل باشد؛ دراین صورت موارد مطرح در روایات را باید یا از قبیل تدابیر تأمینی یا از نوع تعزیر نصوص دانست.

۴. محدودیت‌های حبس خانگی و راهکار فقهی حل آنها

اگرچه حبس خانگی به‌عنوان یکی از تدابیر تأمینی یا مجازات‌های بینابین و جایگزین زندان در حقوق کیفری اسلام پذیرفته است، ولی استفاده از آن در مرحله اجرا و عمل به روش پیش‌بینی شده در قوانین کیفری فعلی با برخی موانع و محدودیت‌ها همراه می‌باشد؛ ازسوی دیگر گاهی وجود شخص بزه‌کار در منزل، مفاسد بسیاری برای تربیت فرزندان و همسر وی دارد. طبیعی است باتوجه به جایگاه حق بر تربیت انسان و به‌ویژه کودکان نمی‌توان حبس در منزل را در مواردی که با چنین حقوقی در تعارض باشد، پذیرفت. افزون‌براین امروزه حبس خانگی اغلب با نظارت و مراقبت سامانه‌های الکترونیکی همراه می‌باشد که ممکن است جنبه مداخله‌جویانه و تجاوزکارانه به خود گیرد و به نقض حقوق اساسی افراد منجر گردد (آشوری، ۱۳۹۹، ص ۳۸۵). در این شرایط ممکن است حفظ حریم خصوصی اشخاص نادیده گرفته شود و موجبات جست‌وجوی زندگی و منزل محکوم‌علیه فراهم گردد و به اشخاصی مانند پلیس یا ضابطان قضایی امکان ورود به منزل فرد بدون جواز شرعی را فراهم سازد (خاقانی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۶) و برهمین اساس حیثیت و آبروی محکومان و خانواده آنها را لکه‌دار کنند. در حرمت و ممنوعیت تجسس در اسرار و اطلاع از داخل

می‌کردند. آن حضرت از اولیای زندانیان ضمانت می‌گرفت تا این زندانیان را دوباره به زندان بازگردانند» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۲۷).

خانه و منزل اشخاص، جای هیچ شک و تردیدی نیست و این کار تجاوز به حریم خصوصی تلقی می‌شود و اصل اولی بر ممنوعیت آن است.

برخی جواز نقض ممنوعیت مداخله در حریم خصوصی را از طریق حکم ثانوی که در بسیاری از مسائل فقهی ساری و جاری است، دنبال می‌کنند؛ با این توجیه که اگر به‌عنوان حکم اولی ملاحظه گردد، شکی در حرمت و عدم جواز نیست، ولی ممکن است بنا به حکم ثانوی چنین نظارتی جایز باشد و آن در مواردی است که مصلحت، تجسس و آگاهی از امور سری و خلوت افراد را تقاضا نماید (میره‌ای و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۲۱۰).

نتیجه

گزاره‌های متعددی در منابع اسلامی درباره حبس خانگی وجود دارد که از مجموع آنها می‌توان جواز حبس خانگی را به‌عنوان اقدامی پیشگیرانه یا پاسخی کیفری برای جرم معینی استفاده کرد؛ هرچند حبس خانگی به‌عنوان یک تعزیر در فرض پذیرش معنای موسع تعزیر و بدون اختصاص به جرمی خاص، بر اساس مبانی فقهی قابل پذیرش است، به‌خصوص اگر مفاسد زندان و محاسن حبس خانگی نیز مطمح نظر قرار گیرد. این امر از نگاه واقع‌بینانه و ارزش‌مدارانه و متعالی اسلام در سیاست کیفری خود حکایت دارد. در هر حال پذیرش حبس خانگی به‌عنوان - اعم از تدبیری پیشگیرانه یا کیفری تعزیری - به شکل مطلق نیست و باید با رعایت اموری همچون حفظ حداکثری حریم خصوصی و حفظ حق بر تربیت فرزندان و... صورت گیرد؛ امری که با توجه به فقر نگاه‌های موجود در باب حبس خانگی از منظر فقه اسلامی و به‌خصوص با نگاه به کارکردهای آن، پژوهش‌های بیشتری را می‌طلبد.

منابع

۱. ابن ماجه، محمدبن یزید؛ سنن ابن ماجه؛ ج ۳، [بی‌جا]: دارالرسالة العالمیه، ۱۴۳۰ق.
۲. ابن هشام بصری، عبدالملک؛ سیره ابن هشام؛ ج ۲، ج ۲، [بی‌جا]: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و أولاده بمصر، ۱۳۷۵ق.
۳. ابراهیم‌وند، حسام؛ ضوابط تعیین کیفر سالب آزادی در حقوق ایران و انگلستان؛ ج ۱، تهران: داد و دانش، ۱۳۹۱.
۴. اکرمی، روح‌الله و فرزانه سیف‌الله‌پور؛ «تحلیلی بر نظام نیمه‌آزادی در حقوق کیفری ایران و فرانسه با رویکرد به مبانی فقهی آن»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب؛ ش ۳، پاییز ۱۳۹۶، ص ۳۸-۳.
۵. امینی، محمدعلی؛ مجازات‌های جایگزین زندان در فقه امامیه و حقوق افغانستان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ قم: جامعه‌المصطفی العالمیه، ۱۳۹۳.
۶. آشوری، محمد؛ جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین؛ ج ۲، تهران: نشر جهش، ۱۳۹۹.
۷. بخاری، محمدبن اسماعیل؛ صحیح بخاری؛ ج ۷، [بی‌جا]: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۸. بهنسی فتحی، احمد؛ الموسوعة الجنائية في الفقه الإسلامي؛ ج ۲، بیروت: دارالنهضة العربیه، ۱۴۱۲ق.
۹. بیهقی، احمدبن حسین؛ سنن بیهقی؛ ج ۶، حیدرآباد: دائرة المعارف النظامیه، ۱۳۴۴ق.
۱۰. توجهی، عبدالعلی و ابراهیم‌وند، حسام؛ «لزوم استفاده محدود از کیفر سالب آزادی بر مبنای فقه اسلامی»، مجموعه مقالات سومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی؛ [بی‌جا]: انتشارات آفتاب توسعه (صدرا)، ۱۳۹۶، ص ۵۰۹-۵۳۸.
۱۱. جزری، مجدالدین؛ جامع الأصول فی أحادیث الرسول ﷺ؛ ج ۱۰، [بی‌جا]: نشر الحلوانی، ۱۳۹۲ق.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمد؛ ترمینولوژی حقوق؛ تهران: گنج، ۱۳۷۴.
۱۳. حرّ عاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعة؛ ج ۲۸ و ۲۹، قم: مؤسسه آل‌البتیت، ۱۴۰۹ق.

۱۴. حسنی ادیسی، محمد؛ الترتیب الإدارية؛ ج ۱، بیروت: دارالکتب العربی، [بی تا].
۱۵. حسینی شیرازی، سیدمحمد؛ الرسائل الثلاث؛ ج ۳، [بی جا]: [بی تا]، [بی تا].
۱۶. حلی، مقدادبن عبدالله؛ کنزالعرفان فی فقه القرآن؛ ج ۲، قم: انتشارات مرتضوی، ۱۴۲۵ق.
۱۷. خاقانی، مهدی؛ «امکان سنجی همگرایی ترمیمی مجازات نظارت الکترونیکی با آموزه های سیاست جنایی اسلام»، مجله فقه و حقوق ارتباطات؛ ش ۱، پاییز زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۳۱-۱۵۲.
۱۸. خمینی، سیدروح الله؛ صحیفه امام خمینی؛ ج ۱۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹.
۱۹. خویی، سیدابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ قم: مؤسسه احیاء الآثار الإمام الخوئی، [بی تا].
۲۰. خویی، سیدابوالقاسم؛ معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال؛ ج ۶، [بی جا]: [بی تا]، [بی تا].
۲۱. راغب اصفهانی، حسین؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۲۲. راوندی، قطب الدین سعیدبن عبدالله؛ فقه القرآن؛ تصحیح سیداحمد حسینی؛ ج ۲، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.
۲۳. زارع، رسول، رضا مهاجر و محمد ابید؛ درآمدی بر مجازات های بازدارنده و تعزیری؛ تهران: جنگ جاودانه، ۱۳۹۱.
۲۴. سبحانی، جعفر؛ معالم الحكومة الإسلامية؛ اصفهان: مکتبه الإمام الامیرالمؤمنین، ۱۴۰۷ق.
۲۵. شاه کرمی، نیما؛ «حبس خانگی در حقوق کیفری ایران و امریکا»، ماهنامه دادرسی؛ ش ۱۰۲، بهمن و اسفند ۱۳۹۲، ص ۵۲-۵۷.
۲۶. شمس زاده علوی، سیدابوالقاسم؛ «ظهور و توسعه جایگزین های حبس در ایالات متحده»، نشریه اصلاح و تربیت؛ ش ۸۵، خرداد ۱۳۸۸، ص ۳۳-۳۶.
۲۷. صابونی، محمدعلی؛ روائع البیان تفسیر آیات الأحکام؛ ج ۲، بیروت: مکتبه الغزالی، ۱۴۰۰ق.
۲۸. طباطبایی، سیدمحمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی

- همدانی؛ ج ۴، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴.
۲۹. طبرسی، فضل‌بن حسن؛ **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛ ج ۳، چ ۳، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
۳۰. طیبی، نجم‌الدین؛ **حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام**؛ ترجمه سیدمحمدعلی احمدی ابهری و همکاران؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۳۱. عظیمی، سیدمیثم و حسن عبدالله‌زاده؛ «گستره فقهی حقوقی نظارت و مراقبت الکترونیکی بر مجرمین از حقوق کیفری»، **مجله کارآگاه**؛ ش ۱۹، تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۸۱-۲۰۸.
۳۲. عیاشی، محمدبن مسعود؛ **تفسیر العیاشی**؛ ج ۱، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰.
۳۳. فخر رازی، محمدبن عمر؛ **تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**؛ ج ۹، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۴. فیروزآبادی، محمد؛ **قاموس المحيط**؛ ج ۲، بیروت: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۱۵ق.
۳۵. قمی (صدوق)، محمدبن علی بن بابویه؛ **من لایحضره الفقیه**؛ ج ۴، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ق.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم؛ **تفسیر القمی**؛ ج ۱، چ ۳، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳.
۳۷. کاظمی، فاضل جوادبن سعد؛ **مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام**؛ ج ۴، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۳۸. کریمی، سارا؛ **بررسی حبس خانگی در قانون مجازات ۱۳۹۲** (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ ایلام: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۹۴.
۳۹. مجلسی، محمدتقی؛ **بحار الأنوار**؛ ج ۲۱، بیروت: مؤسسة الطبع والنشر، ۱۴۱۰ق.
۴۰. مجلسی، محمدتقی؛ **روضه‌المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه**؛ ج ۱۰، چ ۲، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.
۴۱. محسنی، محمد آصف؛ **حدود الشریعة**؛ ج ۲، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۴۲. محولاتی، علیرضا؛ «جایگزین‌های زندان و نهاد تعزیر»، **فصلنامه مفید**؛ ش ۳۷، مرداد و شهریور ۱۳۸۲، ص ۲۵-۶۰.
۴۳. مظفر، محمدرضا؛ **أصول الفقه**؛ ج ۱، قم: بوستان کتاب، [بی‌تا].
۴۴. معین، محمد؛ **فرهنگ معین**؛ ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸.

۴۵. مقریزی، احمد بن علی؛ **المواعظ والإعتبار بذكر الخطط والآثار**؛ ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر؛ **تفسیر نمونه**؛ ج ۳، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۴۷. منتظری، حسینعلی؛ **مبانی فقهی حکومت اسلامی**؛ ترجمه محمود صلواتی و ابوالشکوری؛ ج ۴، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ق.
۴۸. موسوی، سیدرضا؛ **مجازات‌های جایگزین زندان در فقه امامیه، اهل سنت و حقوق ایران** (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ مشهد: جامعه‌المصطفی العالمیه، ۱۳۹۶.
۴۹. میره‌ای، حسن، حمیدرضا جاویدزاده و غلامرضا پیوندی؛ «مراقبت الکترونیکی و بررسی اجمالی آن بر اساس آموزه‌های فقه اسلامی»، **مجله فقه و حقوق**؛ پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۹۳-۲۱۰.
۵۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، محمدجعفر حبیب‌زاده و ابوالفتح خالقی؛ «حبس خانگی»، **مدرس علوم انسانی**؛ ش ۴، زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۴۱-۲۱۸.
۵۱. نوری، میرزا حسن؛ **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**؛ ج ۶، بیروت: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ق.
۵۲. وائلی، احمد؛ **احکام زندان در اسلام**؛ ترجمه و توضیح محمدحسن بکائی؛ [بی‌جا]: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴.
۵۳. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية؛ **الموسوعة الفقهية الكويتية**؛ ج ۱۶، کویت: دارالسلاسل، ۱۴۲۷ق.
۵۴. هاشمی شاهرودی، محمود؛ **زندان‌زدایی و حبس‌زدایی**؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵.